

انتخاب حیاتی اروپا

سال‌هاست که از هر فرصتی برای ترغیب اتحادیه اروپا و کشورهای عضو آن به افزایش سرمایه‌گذاری در حوزه دفاع بهره برده‌ام. زمانی که ولادیمیر پوتین، رئیس‌جمهور روسیه، تهاجم همه‌جانبه خود به اوکراین را آغاز کرد، به‌عنوان عضوی از پارلمان اروپا، بارها این پرسش را مطرح کردم که دیگر چه شواهدی برای درک تهدیدات پیش روی تمامی اروپا لازم است؟ اگر امنیت ما اروپایی‌ها به خطر بیفتد و نزدیک‌ترین متحدان، ایالات متحده، به مسائل دیگری مشغول باشد، آنگاه چه باید بکنیم؟ امروز، ما دقیقاً با چنین وضعیتی روبه‌رو هستیم. مقام‌های آمریکایی صراحتاً اعلام کرده‌اند که قصد ندارند بخش عمده‌ی زمان یا منابع خود را صرف رسیدگی به موضوعاتی کنند که از نظر آن‌ها مسائل اروپایی است. به گفته مارکو روبیو، وزیر امور خارجه آمریکا، ایالات متحده «اولویت‌های دیگری دارد که باید روی آن‌ها متمرکز باشد.» من با این دیدگاه موافقم. یک ابرقدرت جهانی، مسئولیت‌هایی جهانی بر عهده دارد و شمار نقاط تنش آفرینی که می‌توانند توجه دولت آمریکا را به خود معطوف سازند، رو به فزونی است. ایالات متحده، علاوه بر چالش‌های نیم‌کره غربی، بی‌ثباتی در خاورمیانه، تنش‌های شدید میان دو قدرت هسته‌ای (هند و پاکستان)، و همچنین هدف کلیدی خود مبنی بر بازتعریف روابط با چین، طبق دکترین رسمی وزارت دفاع، دیگر قادر نیست همزمان در بیش از یک جنگ بزرگ مشارکت داشته باشد. شاید اروپایی‌ها از شنیدن سخنان آمریکایی‌ها خرسند نشوند، اما نمی‌توانیم تظاهر کنیم که آن‌ها را نشنیده‌ایم. باید برای این احتمال آماده باشیم که ایالات متحده نه‌تنها از حمایت اوکراین، بلکه شاید حتی از اروپا نیز دست بکشد. سیلوی کافمن اخیراً در لوموند استدلال کرد: «آماده شدن برای بدترین سناریو، انتخاب عاقلانه‌تری است تا امید داشتن به بهترین وضعیت.» ما می‌توانیم و باید هر دو کار را انجام دهیم؛ هم امیدوار باشیم و هم آماده. اعتماد کنیم، اما صحت‌سنجی نیز انجام دهیم. با توجه به وضعیت کنونی جهان، اروپا با یک انتخاب حیاتی روبه‌روست: یا به عنوان یک بازیگر قدرتمند و یکپارچه وارد صحنه جهانی شویم، یا خود را به حاشیه رانده شدن محکوم کنیم. تاکنون، گام‌های بسیاری برای تبدیل شدن به چنین بازیگر توانمندی برداشته شده است. از سال ۲۰۱۶. یعنی درست پیش از نخستین دوره ریاست‌جمهوری ترامپ - اعضای اروپایی ناتو (به‌استثنای ایالات متحده)، هزینه‌های دفاعی سالانه خود را ۹۸ درصد افزایش داده‌اند و از ۲۵۵ میلیارد دلار به ۵۰۶ میلیارد دلار رسانده‌اند. علاوه بر این، پس از سه سال از جنگ پوتین علیه اوکراین، اتحادیه اروپا و کشورهای عضو آن نشان داده‌اند که برای صرف هزینه‌های بیشتر و در پیش گرفتن رویکردی مشترک‌تر، منطقی‌تر و مؤثرتر در برنامه‌ریزی و تدارکات دفاعی تمایل دارند. توافقنامه جدید دفاع مشترک میان اتحادیه اروپا و بریتانیا نیز گام دیگری در جهت این همبستگی استراتژیک نوین محسوب می‌شود. بازدارندگی روسیه خارج از توان ما نیست. نیازی نداریم که با توانمندی‌های نظامی ایالات متحده برابری کنیم؛ تنها کافی است به حدی از توانایی دست یابیم که پوتین را ناگزیر سازد تا در مورد بخت پیروزی خود در تقابل با جامعه یکپارچه کشورهای دموکراتیک اروپا تجدیدنظر کند. برقراری دوباره صلح در اوکراین و بازگرداندن ثبات به اروپا چقدر زمان خواهد برد؟ من به اقدام بر مبنای سه پیش‌فرض باور دارم. نخست، باید این منازعه را جنگ یک قدرت استعماری پیشین علیه سرزمینی بدانیم که آن را مستعمره متهم خود تلقی می‌کند. تاریخ نشان می‌دهد که جنگ‌های استعماری معمولاً نزدیک به یک دهه به درازا می‌کشند. هر مدتی کمتر از این را باید یک امتیاز به شمار آورد. دوم، باید این واقعیت را بپذیریم که کشور مهاجم تنها زمانی حاضر به مذاکرات صادقانه خواهد شد که به این نتیجه برسد که تهاجمش یک اشتباه بوده است؛ یعنی باید اذعان نماید که هزینه‌های جنگ و حفظ سلطه بر مستعمره پیشین، از هرگونه منفعت احتمالی آن فراتر می‌رود. سوم، با در نظر گرفتن این موارد، باید به یاد داشته باشیم که جنگ‌های استعماری را معمولاً گروهی از رهبران به پایان می‌رسانند که متفاوت از آغازکنندگان آن جنگ هستند. همزمان با احیای دفاع اروپا، نباید فراموش کنیم که چرا دست به این اقدام زده‌ایم: ما برای امنیت خود گام برداریم، نه برای تضعیف روابط فراترآناتیک، بلکه برای تقویت آن. برای پرهیز از یک تنگنای استراتژیک، ما اروپایی‌ها باید بتوانیم با پذیرفتن سهم منصفانه خود از بار مسئولیت امنیتی، به ایالات متحده در دفاع از متحدانش یاری رسانیم.

نبرد شرق و غرب
در آسمان شبه‌قاره

مروری بر درگیری‌های هوایی هند و پاکستان

Reuters: نکس



تحويل داده شوند. ریچارد ابولافیا، مدیرعامل شرکت مشاوره‌ای ایرویدینامیک ادوایزری در این باره به نشریه فارن پالیسی گفته است: «با فاصله زیاد، جنگنده‌های رافال پیشرفته‌ترین تجهیزات در زرادخانه‌های هند هستند و به همین دلیل اصلی‌ترین جنگنده هند در درگیری‌های اخیر با پاکستان بودند.»

سیاست در حال تغییر هند در زمینه خرید تسلیحات نیز بازتابی از روابط نزدیک این کشور با ایالات متحده است؛ روابطی که از آغاز هزاره جدید به طور پیوسته بهبود یافته و در دوران نخست‌وزیری ناندرا مودی که در سال ۲۰۱۴ به قدرت رسید، شتاب بیشتری گرفته است. سفر مودی در ژوئن ۲۰۲۳ به واشنگتن در دوره ریاست‌جمهوری جو بایدن، منجر به توافقی با شرکت آمریکایی جنرال الکتریک برای تولید مشترک موتور جت‌های جنگنده بومی «تجاس» هند و همچنین فروش ۳۱ فروند پهپاد MQ-۹B گاردین از شرکت جنرال اتمیکس مستقر در سن دیگو شد. غول‌های هوانوردی ایالات متحده، لاکهید مارتین و بوئینگ نیز نزدیک به یک دهه پیش به ترتیب با جنگنده‌های اف-۱۶ و اف/ای-۱۸ خود به شدت برای ورود به ارتش هند رقابت کرده بودند، همانطور که شرکت سوندی ساب نیز چنین تلاشی داشت، اما هند در نهایت جنگنده‌های رافال را انتخاب کرد.

▼ **نیروی هوایی پاکستان و مسیر متفاوت**
ارتش پاکستان مسیر متفاوتی را نسبت به هند دنبال کرده است. جنگنده‌های اف-۱۶ ساخت آمریکا (در کنار سایر تجهیزات آمریکایی) از اوایل دهه ۱۹۸۰ میلادی، زمانی که رونالد ریگان، رئیس‌جمهور وقت ایالات متحده، فروش اولیه ۴۰ فروند از این جت‌ها را برای کمک به پاکستان در جنگ با اتحاد جماهیر شوروی در افغانستان تصویب کرد، یکی از پایه‌های اصلی نیروی هوایی پاکستان بوده است. این جنگنده‌ها تا دهه‌ها به عنوان نمادی از روابط آمریکا و پاکستان بودند و نوسان‌ها در روابط دوجانبه اسلام‌آباد و واشنگتن مستقیماً تأثیر خود را در مسائل مربوط به فروش و نگهداری این جنگنده‌ها نشان می‌داد.

این نوسان‌ها همچنان ادامه دارد. دونالد ترامپ، رئیس‌جمهور ایالات متحده، در اوایل سال جاری میلادی بسته‌ای ۳۹۷ میلیون دلاری را برای نظارت بر استفاده از جنگنده‌های اف ۱۶ پاکستان تصویب کرد. این اتفاق در حالی رخ داد که ترامپ در سال ۲۰۱۸ در دوره اول ریاست‌جمهوری خود، بیشتر کمک‌های امنیتی به پاکستان را به دلیل نگرانی از حمایت این کشور از تروریسم به حالت تعلیق درآورده بود. روابط دو کشور در دوره ریاست‌جمهوری جو بایدن رو به بهبود رفت و ایالات متحده در سال ۲۰۲۲ با انعقاد توافق ۴۵۰ میلیون دلاری، پذیرفت که جنگنده‌های آمریکایی در اختیار ارتش پاکستان را ارتقا دهد. این نوسان‌ها در روابط پاکستان و آمریکا و نگرانی پاکستان از روابط رو به رشد دهلی نو و واشنگتن باعث

شد تا این اتفاق به یکی از مهم‌ترین اتفاقات جنگ هند و پاکستان برای کارشناسان نظامی تبدیل کرد. محمد اسحاق دار، معاون نخست‌وزیر و وزیر امور خارجه پاکستان در یک سخنرانی در پارلمان این کشور اعلام کرد که ارتش پاکستان موفق شده با استفاده از جنگنده‌های چینی C.J۱۰ جنگنده‌های هندی را سرنگون کند.

جنگنده‌های C.J۱۰ بهترین جنگنده‌های نیروی هوایی چین نیستند اما موفقیت این جنگنده‌ها در برابر رافال‌های فرانسوی نشان داد که پکن پس از سال‌ها سرمایه‌گذاری و تلاش برای توسعه نیروی هوایی خود، توانسته به جایگاه مطلوبی در این عرصه برسد و حالا می‌تواند برتری تولیدات خود را در یک آزمون واقعی مشاهده کند.

▼ **نیروی هوایی هند؛ گذار از شرق به غرب**

نیروی هوایی هند به‌طور تاریخی به تجهیزات و جنگنده‌های ساخت روسیه وابسته بود. این موضوع را می‌توان یکی از میراث‌های جنگ سرد دانست که طی آن هند به رغم قرار نگرفتن در بلوک شرق، ترجیح می‌داد تا نیازهای نظامی خود را از طریق همکاری با اتحاد جماهیر شوروی رفع کند. نخستین نشانه‌ها از تلاش هند برای کاهش وابستگی نظامی به روسیه در نیمه دوم دهه ۲۰۱۰ میلادی آشکار شد. داده‌های آماری موسسه تحقیقات صلح استکهلم (SIPRI) نشان می‌دهد در دوره ۵ ساله نخست دهه ۲۰۱۰ میلادی (آغاز ۲۰۱۰ تا پایان ۲۰۱۴) روسیه سهم ۷۲ درصدی از خریدهای نظامی هند داشت اما به مرور زمان سهم روسیه کمتر و کمتر شد؛ به‌طوری‌که در ۵ ساله بعدی (ابتدای ۲۰۱۵ تا انتهای ۲۰۱۹) به حدود ۵۰ درصد پس از آن در ۵ ساله نخست دهه ۲۰۲۰ (آغاز ۲۰۲۰ تا انتهای ۲۰۲۴) ۳۶ درصد رسید. کاهش سهم روسیه، تا حد زیادی ناشی از دو علت بود. اول، هند تصمیم داشت تا به صنایع نظامی خود فرصت بیشتری برای رشد اعطا کند و دوم اینکه دهلی‌نو می‌خواست تنوع بیشتری به تجهیزات و تکنولوژی‌های مورد استفاده در ارتش بدهد.

داده‌های جدید ثابت می‌کند که بازیگران غربی و متحدان آمریکا بیشترین سود را از تغییر استراتژی هند بردند. سال‌های ۲۰۲۰ تا ۲۰۲۴ فرانسه سهم ۳۳ درصدی در تأمین خریدهای نظامی هند داشت و پس از این کشور، اسرائیل با ۱۳ درصد و ایالات متحده با ۱۰ درصد در جایگاه‌های بعدی قرار می‌گرفتند. به‌رغم اینکه همچنان بخش عمده‌ای از تجهیزات ارتش هند، روسی هستند اما تلاش‌ها برای جایگزینی فناوری‌های غربی تا حدی موفق بوده و برای نمونه، جنگنده‌های غربی پیشرفته‌ترین ناوگان را در نیروی هوایی هند تشکیل می‌دهند. در فاصله سال‌های ۲۰۲۰ تا ۲۰۲۲ هند ۲۶ فروند جنگنده رافال از داسو فرانسه خریداری کرد. هند همچنین اخیراً قرارداد تازه‌ای با شرکت داسو منعقد کرده که بر اساس آن قرار است ۲۶ فروند جنگنده رافال دیگر به نیروی هوایی این کشور

سرنگونی جنگنده

پیشرفته رافال

به تنهایی اتفاق

تأثیرگذاری به

شمار نمی‌آمد اما

آنچه وزیر خارجه

پاکستان در

خصوص سرنگونی

این جنگنده‌ها

مطرح کرد باعث

شد تا این اتفاق به

یکی از مهم‌ترین

اتفاقات جنگ

هند و پاکستان

برای کارشناسان

نظامی تبدیل کرد.

محمد اسحاق دار،

معاون نخست‌وزیر

و وزیر امور خارجه

پاکستان در یک

سخنرانی در

پارلمان این کشور

اعلام کرد که ارتش

پاکستان موفق

شده با استفاده

از جنگنده‌های

چینی C.J۱۰

جنگنده‌های هندی

را سرنگون کند



محمدحسین لطف‌الهی

خبرنگار بین‌الملل

اوایل ماه مه یک حمله تروریستی در منطقه کشمیر که تحت کنترل دولت هند است، اتفاق افتاد. دهلی‌نو مدعی شد که دولت پاکستان در این حمله دست داشته و تأکید کرد که انتقام این حمله را از اسلام‌آباد خواهد گرفت. چند روز بعد، هند حمله‌ای هوایی را به پاکستان آغاز کرد، جنگنده‌ها و نیروهای پدافند هوایی دو طرف به روی هم آتش گشودند و در پایان اسلام‌آباد مدعی شد که توانسته تعدادی از جنگنده‌های هندی به‌ویژه سه فروند جنگنده غربی ارتش این کشور را ساقط کند.

برای بسیاری، این زد و خوردها میان هند و پاکستان و بعد ادعای یکی از طرف‌ها در خصوص ساقط کردن جنگنده‌های پیشرفته طرف مقابل یادآور تحولات سال ۲۰۱۹ بود.

در آن زمان، طی حملات هند به منطقه بالاکوت در پاکستان یک فروند جنگنده میگ ۲۱ ارتش هند هدف آتش پدافند قرار گرفت و پس از سقوط این جنگنده، خلبان آن هم به اسارت نیروهای پاکستانی درآمد. هند که مایل نبود به‌عنوان کشور شکست‌خورده در جنگ هوایی شناخته شود، اعلام کرد که موفق شده یک فروند جنگنده اف ۱۶ ارتش پاکستان را هدف قرار دهد. این ادعا هیچگاه اثبات نشد و بعدها وزارت دفاع ایالات متحده ادعای هند درباره ساقط کردن جنگنده اف ۱۶ را به چالش کشید.

با این حال، امسال ماجرا کمی متفاوت بود و این اسلام‌آباد بود که مدعی شد ۵ جنگنده هندی شامل یک فروند میگ ۲۹، یک فروند سوخو ۳۰ و سه فروند جنگنده فرانسوی رافال را سرنگون کند. دولت هند در ابتدا این ادعاها را نادرست خواند و اعلام کرد که هیچ‌کدام از جنگنده‌های فرانسوی ارتش هند هدف قرار نگرفته است. اما در فاصله کوتاهی پس از تکذیب هندی‌ها، یک مقام اطلاعاتی فرانسه به سی‌ان‌ان گفت که ارزیابی‌های پاریس نشان می‌دهد دست‌کم یک جنگنده رافال به طور قطعی هدف قرار گرفته و ساقط شده است.

داسو رافال هواپیمای جنگنده دوموتوره و چندمنظوره فرانسوی است که توسط شرکت هوانوردی داسو طراحی شده و ساخته می‌شود. داسو این هواپیما را جنگنده‌ای همه‌منظوره با قابلیت پنهان‌کاری نسبی توصیف کرده که قادر است همزمان وظایفی همچون برتری هوایی، بمباران اهداف زمینی، شناسایی و مأموریت‌های بازدارندگی اتمی را ایفا کند. این هواپیما در سال ۱۹۸۶ اولین پرواز خود را انجام داده و از سال ۲۰۰۱ وارد فعالیت رسمی در ارتش فرانسه شد.

سرنگونی جنگنده پیشرفته رافال به تنهایی اتفاق تأثیرگذاری به شمار نمی‌آید اما آنچه وزیر خارجه پاکستان در خصوص سرنگونی این جنگنده‌ها مطرح کرد باعث